

از لابلای یادداشت ها و نیشته های روزمره ام

## حیات خلوت مفرزه های مجهز با اجندا های چند ملیتی متحول گردیدن ستراتیژی صلح و کوبیدن بر طبل جنگ تلاش بمنظور افغانیزه کردن جنگ امریکا در افغانستان

اقدامات محافظه کارانه بمنظور تداوم حاکمیت کنونی در کشور  
نوع نگاه جامعه بین المللی به معضلات جامعه افغانی  
ایجاد وتشکل یک میکانیزم موقتی دیگر  
خود فریفتگی، بلایی کاز آن حذر باید کرد

کشور عزیز ما افغانستان از نظر تاریخی تا کنون حیات خلوت مفرزه های مجهز با اجندا های چند ملیتی بحساب آمده و هیچگاهی غیر از این نبوده است. زمانی لار کرز، سیاستگر انگلیس در ۱۳ سال قبل (۱۹۰۸ ترسای) گفته بود: افغانستان در پنجاه یا صد سال دیگر باندازه اکنون همچو پرسش مهم و حیاتی مطرح خواهد بود. مجموعه تاریخ افغانستان بما شاهده می دهد که در این قفس افتاده میان آسیای مرکزی و جنوب آسیا، هیچگاهی هم نظام سیاسی پایدار و استخوان دار شکل نگرفته است. بدون "اجندای خارجی"، خط و نشان کشوری بنام افغانستان در نقشه آسیا نمی افتاد. پرسشی مطرح می گردد که چرا نخبگان سیاسی، دیده و دانسته به شاهدان غیر واقعی تاریخ تبدیل می شوند؟ زنجیره انفجارات در کشور ما هر ده سال پس از آن تا امروز، همه اش تمثیل یا اجرای اجندای خارجی است و از این پس نیز چنین خواهد بود. یکی از بزرگترین ویژگی اقتصاد بین الملل بویژه در دوران پس از جنگ جهانی دوم، گسترش و توسعه فعالیت "شرکتهای چند ملیتی" در سراسر جهان می باشد. تاکنون تغییرات و تحولات عمده ای در این زمینه بوقوع پیوسته و نقش این شرکت ها بمثابة بخشی از واقعیت کنونی جهان معاصر تثبیت گردیده است.

قبل از همه، یادآوری این مسأله مهم پنداشته می شود که دولت افغانستان در امتداد مدت زمان نسبتن طولانی، در امر موضعگیری با "طالب" ها بمثابة طرف مورد نظر، تلاش ورزید تا با تداوم تقابل و رویارویی های مسلحانه، موفقیت هایی داشته باشد. اما با گذشت زمان و نیرنگ بازی های تاریخ، حاکمیت سیاسی کشور، بویژه طی مدت زمان پسین، بگونه فزاینده ای درگیر نبرد ایدئولوژیک در زمینه مشروعیت اسلامی می باشد. تلاش های یادشده، بویژه در ایام پسین شتاب بیشتری حاصل نموده است. بگفته صاحب نظران، پرسشهایی که ذهن شهروندان کشور ما را بخود مشغول نموده، از جمله یکی هم اینکه آیا می توان به نتیجه مذاکرات و گفتگوهای آغاز شده صلح امیدوار بود؟ قابل یاددهانی پنداشته میشود که در مجموعه مسایل مطرح در مورد کشور عزیز ما، یکی هم نقش اسلام در مجموعه حاکمیت بعدی، تقسیم و توزیع قدرت و چگونگی تطبیق نسخه ای از حاکمیت اسلامی در افغانستان پس از جنگ مورد بحث شمرده می شود. مفکوره و پندار "طالب" ها بر این بنیاد استوار می باشد که برسمیت شناختن "عروسک های دست نشانده" در کابل توسط جامعه بین المللی، سبب گردید تا با اولویت ارزش های غربی، اصل واقعیت ها و اساسات اسلامی زیر پا گذاشته شود. بوضاحت کامل بمشاهده می رسد که اظهارات اینچینی، بخود ی خود، بازگوکننده هدف "طالب" ها مبنی بر پایه گذاری، ایجاد و استقرار "تمام عیار" امارت اسلامی در کشور ما می باشد.

رژیم کنونی، سیستم سیاسی موجود در کشور را جمهوری اسلامی مطابق دموکراسی غربی و باندازه کافی، اسلا می معرفی نموده و "جهاد" طالب ها را فاقد محتوا و مشروعیت اسلامی می پندارد. بمنظور مقابله با روایت های

طالبانی، دولت در تلاش است تا موجودیت و احترام با اعتقادات مذهبی در کشور را برجسته سازد. ناظران امور چنین می‌پندارند که هدف دولت برهبری غنی، وسعت بخشیدن ساحه اقتدار نامبرده و بکرسی نشاندن طرز نگاهش مبنی بر تضعیف ادعاهای "طالب"ها در مورد اقتدار اسلامی می‌باشد. در جریان ماه‌های پسین، دو لت، سلسله اقدامات محافظه کارانه ای بشمول اصلاح سیستم آموزش و حقوق خانواده را رویدست گرفت. منتقدین ادعا مینمایند که دولت در امر رقابت با "طالب"ها میتواند به بسط و گسترش دستاوردهای پس از سال ۲۰۰۱، به بهترین نحوه ایی اقدام نماید. اما بسیاری ها هم چنین می‌پندارند کاین یک اقدام عمدی و حساب شده بمنظور تعریف مجدد موضعگیری ماهوی دولت در قبال اسلام می‌باشد.

در زمستان سال پار، وزارت تعلیم و تربیه کشور فیصله نمود تا از صنف اول الی صنف سوم، شاگردان مکتب رو در مسجدها بآموزش خواهند پرداخت که بگفته منتقدان، این در نوع خود بمثابة گام بی سابقه ای بمنظور طالبانیزه سازی جامعه محسوب می‌گردد. آیا اقدام یاد شده بمنظور جلب رضایت خاطر افشار مذهبی جامعه می‌باشد یا خوش خدمتی در قبال "طالب"ها؟ اما مقامات مسؤل ورده نخست وزارت یاد شده خاطر نشان می‌نمایند که هدف از اقدام پسین، القاح روحیه اسلامی به دانش آموزان بوده تا از نقش اسلام در تربیت انسان بیشتر با خبر گردند. اما پس از خشم عمومی، دولت پیشنهاد یاد شده را پس گرفت. در کل، مقایسه دولت برهبری غنی کاغلب نزد اپوزیسیون کاربرد دارد، یک حرکت و اقدام بدون درد سر محسوب می‌گردد. منتقدان اظهار نظر نمودند که چنین اقدامی، خاطر ات سال های ۹۰ سده پسین را بویژه که مدرسه ها و مکتب های اسلامی، بگونه معمول آن وجود داشتند، در اذهان تداعی می‌نماید.

با وجود اینهمه، سال پار، دولت در قانون رسانه های همگانی تغییراتی وارد نمود، اما پس از اعتراض های گسترده، دولت عقب نشینی نموده و تغییرات مورد نظر را نیز لغو نمود. دولت بخوبی می‌داند و باین واقعیت معترف می‌باشد که که آزادی ورشد روز افزون وسایل اطلاعات همگانی، یکی از جمله با اهمیت ترین دستاوردهای دو دهه پسین پنداشته می‌شود.

بخاطر داریم که دولت سکولار محمد داؤد، در حقوق خانواده بمثابة یک گل و همچنان در مجموعه قانون مدنی سال ۱۳۵۵ نیز تغییراتی وارد نمود. در جریان ماه اسد سال یاد شده، نماینده ویژه رئیس جمهوری، تصویب قانون جدید خانواده را با اطلاع همگان رسانده و تاکید بعمل آمد که تطبیق و اجرای عملی قانون یاد شده بمثابة ضرورت حیات کنونی جامعه ما و بمنظور انعکاس واقعیت های جدید افغانستان، تأمین نظارت بر حقوق زنان و اطفال، تأمین همگرایی با اصول و اساسات اسلامی در کشور، حتمی و لازمی بنظر می‌رسد.

سلسله تغییرات پیشنهادی، بویژه در عرصه تساوی حق زن و مرد، بویژه در امر انتخاب شریک زندگی و غیره موارد حیات خانوادگی نیز مطرح بحث قرار گرفت. در صورت تصویب و اجرای عملی تغییرات یاد شده، بگونه ساده، بمفهوم بکرسی نشانندن روایت های طالبانی بحساب آمده، سبب تقویت مواضع مخالفان مسلح در کشور گردیده که چنین اتفاقی بگمان اغلب تصویری را مبنی بر این واقعیت خلق می‌نماید که دولت کنونی فاقد هویت اسلامی می‌باشد. وضعیت اینچنینی، زمینه های ایجاد بی نظمی و هرج و مرج را در سیستم حکومتداری نیز فرا هم خواهد نمود.

در امتداد ماه های پسین، اشرف غنی کارزار وسیعی را بمنظور تأکید بر هویت اسلامی اقتدارش براه انداخت. اما بخاطر باید داشت که عمده ترین مشکل و معضل موجود در جامعه افغانی، از جمله یکی هم این می‌باشد که شهروندان کشور ما از ریشه های عمیق فرهنگی، مدنی و مذهبی کشور آگاهی آنچنانی ندارند. بر این واقعیت بگونه مکرر پافشاری بعمل می‌آید که طبیعت سیستم کنونی کشور ما اسلامی بوده و نیروهای امنیتی و دفاعی کشور نیز به باور های اسلامی باور و اعتقاد داشته و بآن پایند می‌باشند. غنی در ادامه بیانیته اش بر این امر تأکید بعمل آورد که مذاکرات و گفتگوهای میان افغانی کاملن مبتنی بر اساسات اسلامی می‌باشد.

اما در شرایط و اوضاع و احوال کنونی و حاضر، وضعیت بمفهوم وسیع کلمه بگونه بنیادی متحول گردیده و طرح های جدیدی در عرصه های یاد شده بمفهوم بازگشت بدوره طالبانی در کشور محسوب می‌گردد.

قابل یاد دهنی پنداشته می‌شود که در آغاز مذاکرات و گفتگوهای میان افغانی، دولت در مورد اسلامی شمردن حاکمیت سیاسی کنونی کشور و عنوان جمهوری اسلامی افغانستان اصرار ورزیده و بر این امر تأکید بعمل آورد که حاکمیت سیاسی کنونی کشور را در مقایسه با "امارت اسلامی" طرح شده توسط "طالب"ها، اندکتر و کمتر اسلامی نمی‌پندارد. غنی همچنان از ترمیم و اعمار صدها مسجد در کشور خبر داد. نامبرده ادامه داده افزود که جانب دولت

باعمار و بازسازی اماکن مذهبی کشور مبادرت ورزیده اما "طالب"ها به ویرانی و تخریب آن می پردازند. در جریان سال های پسین، اشرف غنی در صدد جلب پشتیبانی و حمایت های بیشتر، از تمامی نهادهای اسلامی جهان تقاضا بعمل آورد تا در مورد غیرموجه بودن جنگ "طالب"ها تأکید بعمل آورند.

طی سال ۱۳۹۷، در حدود ۷۰ تن از علمای جهان اسلام در کشور اندونیزیا کاز جمله پرجمعیت ترین کشور اسلامی محسوب می گردد، گردهم آمده و در ختم کارکنفرانس یادشده فتوای داده و اعلام نمودند که اعمال فشار، انجام خشونت و انجام حملات انتحاری بویژه علیه شهروندان ملکی کشور با اساسات و احکام دین اسلام سرسازگاری نداشته و حملات اینچنینی "طالب"ها را مورد نکوهش قرار می دهند.

"طالب"ها با رد فتوای یادشده، از علمای کشور خواستند تا از سهمگیری در اقدامات سازماندهی شده از جانب دولت اجتناب ورزند. ناظران امور چنین می پندارند که حاکمیت سیاسی کنونی کشور با آزمایش دشواری از جمله حفظ تعادل میان نیازهای حل و فصل صلح آمیز قضایا و سبک و سنگین نمودن مسایل موجود با "طالب"ها، بگونه ای در میدان بازی کنونی سعی ورزد تا دستاوردهای ۱۹ سال پسین در کشور حفظ گردد.

حاکمیت کنونی سیاسی کشور سعی می ورزد تا نظم قانونی جامعه حفظ گردیده و با در نظر داشت اصول کلیدی دموکراسی مانند حقوق زنان، آزادی بیان و رقابت های آزاد انتخاباتی حفظ گردیده و از آنها پاسداری بعمل آید. در عین زمان، بر بنیاد محاسبه "طالب"ها، سعی بمنظور استقرار و پایه گذاری حکومت دینی در افغانستان که در رأس آن امیر قرار داشته باشد، سبب ایجاد نگرانی های شهروندان کشور ما گردیده است.

برخی ها هم، تعامل و توافق حاصله میان ایالات متحده و "طالب"ها را که در جریان سال پسین بعمل آمد، بمثابه بخش نسبتن عمده مذاکرات و گفتگوها می پندارند. بر بنیاد معامله یادشده، تمامی نظامیان خارجی باید الی ماه می سال روان باید سرزمین کشور ما را ترک نمایند و طرف "طالب"ها نیز بر عایت آتش بس و تداوم مذاکرات صلح با جانب دولت افغانستان مبادرت ورزد.

دولت شکننده و کاملن متفرق افغانستان، در شرایط و وضعیتی با آغاز مذاکرات و گفتگوهای صلح میان افغانی نایل گردید که جنگ و درگیری های مسلحانه همچنان از افغان ها قربانی می گرفت و در حدود نیمی از اراضی کشور تحت نظارت "طالب"ها قرار داشت و یا بمثابه مناطق مورد مناقشه میان طرفین درگیری افغانی محسوب می گردید. جانب حاکمیت مرکزی کشور نمیتواند در مذاکرات از دست بالایی برخوردار باشد تا در شرایط نسبتن مشکلی بویژه در شرایطی که نظامیان خارجی سرزمین و اراضی کشور ما را ترک می نمایند، به تداوم پروسه مذاکرات مبادرت ورزد. در نتیجه، مطابق نظر و مفکوره برخی از ناظران امور، دولت افغانستان بگمان اغلب، ناگزیر خواهد شد تا بمنظور تدمین صلح در کشور، به تغییراتی در قانون اساسی و ایجاد اصلاحاتی در مجموعه سیستم سیاسی کشور گردن نهد.

درباره زمینه های موجود مسأله مورد نظر باید افزود که مشترکاتی در نقطه نظرهایی در مورد سیستم حقوقی و نحوه حکومتداری "طالب"ها در کشور موجود می باشد. نحوه رهبری "طالب"ها و سیستم سیاسی در کابل تا اندازه زیادی به حاکمیت مرکزی و نقش اسلام در امر رهبری کشور بستگی دارد.

در قانون اساسی مصوب سال ۱۳۹۷ تذکر بعمل آمده که هیچ قانون مخالف نمی تواند علیه اصول دین اسلام در کشور مرعی الاجراً قرار داده شود. بسیاری ها هم چنین می پندارند که بند متذکره در قانون اساسی کشور بنحوی از انحاء با مواد لیبرال موجود دیگر در مجموعه قانون اساسی کشور در تضاد قرار دارد.

از نقطه نظر برخی از کارشناسان خارجی، جمهوری اسلامی افغانستان، یک نهاد دولتی محسوب می گردد که در آن "حقوق بشر" بگونه محدودی رعایت می گردد، کاین در نوع خود، اندکی بهتر از پروژه "امارت اسلامی طالب"ها" بحساب آمده و اگر بخواهید بر بنیاد اصول محافظانه کارانه قضاوت نمایید، همین اکنون "طالبانیزه" سازی در کشور عملن آغاز گردیده است.

در اینحال، عده ای از کارشناسان متذکر میگردند که چنین حرکتی اصلن در یک جهت و مسیر واحد نبوده و "طالب"ها نیز بنوبه خویش بویژه به پذیرفتن آزادی های معین رو آورده، در عملکردهای شان تغییراتی رونما گردیده و بگان اغلب که در قبالی قضایای موجود در کشور، موضع نرمتر و مساعدتری اتخاذ نمایند.

بهر حال، اما فروکش نمودن تلاش ها بمنظور مشروعیت اسلامی در کشور در کوتاه مدت اصلن متصور نمی باشد. مدتی قبل، مجله تایم مطلبی را تحت عنوان "پس از عقب نشینی نظامیان امریکایی و فراخواندن آنها از افغانستان، ممکن "طالب"ها به تصرف قدرت در افغانستان مبادرت ورزند.

ناظران، همه با این نظر مؤافق می باشند که انکشاف حوادث و چگونگی سیربده و بستان ها بگونه ای است که چنین وضعیتی، می تواند منجر باین واقعیت شود که گروه تروریستی "القاعده"، مجدداً در کشور ما ریشه دوانیده، بیش از پیش نیرومند تر شده و شاخ و پنجه اش را بهر سو گسترش بخشد.

سرویس های اطلاعاتی ایالات متحده به رئیس جمهوری آن کشور خبر دادند که اگر نظامیان آن کشور سرزمین افغانستان را ترک نمایند، ممکن مخالفان مسلح، بشمول "طالب" ها در امتداد دو - سه سال بر بیشترین بخش های افغانستان مسلط گردند. بگفته مقامات، انکشاف اینچنینی قضایا می تواند بگونه بالقوه به قوت گیری مجدد "القاعده" در افغانستان منجر گردد.

جوبایدن رئیس جمهور ایالات متحده مدتی قبل، در جریان کنفرانس مطبوعاتی اظهار نمود که برای واشنگتن، به علل تاکتیکی فراخواندن نظامیان امریکایی از اراضی متعلق به افغانستان، آنهم در آغاز ماه می سال روان، چنانچه در توافقنامه قطر از آن تذکر بعمل آمده، غیر عملی بنظر میرسد. "طالب" ها بر تعهد شان در توافقنامه با ایالات متحده تأکید بعمل آورده و آرزومندی شانرا بمنظور پابندی ایالات متحده نیز یادآور شدند. در صورت عکس مسأله، (قرار اظهارات "طالب")، مسؤلیت حوادث و اتفاقات غیر مترقبه بر عهده امریکایی ها خواهد بود.

در پایان ماه فیبروری سال ۲۰۲۰ طی مراسمی در قطر، ایالات متحده، پس از حدود دوده جنگ و درگیری مسلحانه با نماینده های "طالب" ها توافقنامه صلح را امضا نمود که مطابق آن، در امتداد ۱۴ ماه نظامیان امریکایی از افغانستان فراخوانده شده، مذاکرات و گفتگوهای صلح میان افغانی آغاز و تبادل اسرا نیز صورت گیرد.

این نکته قابل یاددانهی پنداشته می شود در حالی که تقابل و رویارویی نظامیان کشور با "طالب" ها همچنان ادامه دارد، موجودیت و تشکل هسته های "دولت اسلامی" و سایر گروه های تروریستی در اراضی کشور ما نیز در حال تکوین می باشد.

در انکشاف دیگر، جوبایدن اعلام نمود که نظامیان کشورش بمنظور ادامه و تداوم مبارزه با تروریسم و بخاطر دفاع از دولت افغانستان، بموجودیت شان در اراضی کشور همچنان بموجودیت و حضور تداوم خواهند بخشید. دونالد ترامپ، رئیس جمهور پیشین ایالات متحده وعده سپرده بود که با آغاز ماه می سال روان، نظامیان آن کشور از افغانستان را فرامی خواند.

"طالب" ها بگونه مکرر اخطار داده اند که اگر ایالات متحده در اجرای عملی توفاقات بدست آمده تعلل ورزد، حملات مسلحانه شان را علیه نظامیان خارجی از سر خواهند گرفت.

اداره بایدن وضاحت می دهد که فراخواندن تفنگداران کشورش الی ماه می سال روان، ممکن غیر عملی پنداشته شود. اما چنین پرسش هایی نیز موجود می باشد که تا چه مدت زمانی و تحت چه شرایط و وضعیتی، نظامیان ایالات متحده بموجودیت و حضور شان در کشور ما ادامه می دهند. چه، اینک در حدود دوده می شود که در سرزمین و اراضی افغانستان مصروف بدوران انداختن ماشین جنگی خویش بوده و سبب بجا ماندن کشور ویران شده با موجودیت دردها و آلام بیشمار شهروندان میهن عزیز ما گردیدند.

پرستاری ها و محبت های این دایه مهر بانتر از مادر، بسنده بنظر می رسد. آیا نجات کشور عزیز ما از جنگ و درگیری های مسلحانه ممکن می باشد؟ رو آوردن به صلح و اجتناب از آدمکشی و ویرانی، حکم زمان بوده و تأمین امنیت و آرامش در اراضی میهن جنگ زده ما در دستور روز قرار دارد.

چنین بنظر می رسد که واشنگتن بدلیل نگرانی از سرنوشت حاکمیت سیاسی کنونی در افغانستان، در صدد به تأخیر انداختن خروج نظامیان آن کشور از اراضی متعلق با افغانستان می باشد.

حدس زده می شود کانگیزه واقعی بارتباط فراخواندن نظامیان امریکایی از کشور ما، نگرانی از چگونگی اوضاع پس از خروج از افغانستان بشمار می آید. چه، پس از دوده موجودیت نظامیان امریکایی و ناتو در کشور ما، هنوز هم در مورد توانایی دفاع مستقلانه قوت های مسلح کشور ما در قبالت حرکات مخالفان مسلح، در شک و تردید و دنیایی از توهم بصری برند.

قبلن، جوبایدن رئیس جمهوری ایالات متحده اظهار نموده بود که خروج نظامیان کشورش، طی مدت زمانی که در توافقنامه دوحه با "طالب" ها از آن تذکر بعمل آمده، دشوار خواهد بود.

یکشنبه ۱۵ ماه حمل سال ۱۴۰۰ خورشیدی